



درس فراج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۰ دی ۸۹
مصادف با: ۵ صفر ۱۴۳۱
جلسه: ۵۴

موضوع کلی: مسئله اول

موضوع جزئی: تنبیهات

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

نتیجه بحثهایی که تا کنون مطرح کردیم این شد که مسئله اول تحریر که فرموده بودند احتیاط و عمل به احتیاط ولو اینکه مستلزم تکرار باشد علی الأقوی جایز است این مسئله به همین شکل مورد قبول است و حاشیه و تعلیقه بر این مسئله نمی-شود زد چون که گفتیم که احتیاط در معاملات بالمعنی الأعم و معاملات بالمعنی الأخص و عبادات چه تمکن از امتثال تفصیلی باشد و چه نباشد و چه عمل مستلزم تکرار باشد و چه نباشد جایز است یعنی احتیاط مطلقاً جایز است. در معاملات بالمعنی الأخص یعنی عقود و ایقاعات که یک اشکالی مطرح بود عرض کردیم و پاسخ دادیم و در باب عبادات هم چندین اشکال مطرح بود که آنها را بررسی کردیم و جواب دادیم لذا مسئله اول تمام شد.

تنبیهات:

تنبیه اول:

تنبیه اول پیرامون مطلبی است که مرحوم سید در مسئله دو عروة آن را بیان کردهاند و امام(ره) هم در ضمن مقدمه به آن اشاره کردهاند. مسئله دوم در عروة این است:

ایشان فرمودهاند: «الأقوی جواز العمل بالإحتیاط مجتهداً کان أو لا لکن یجب أی یکون عارفاً بکیفیه الإحتیاط أو التقلید»

بخش اول فرمایش سید این است که عمل به احتیاط جایز است چه برای مجتهد و چه برای غیر مجتهد که سابقاً هم به این مسئله اشاره کردهایم. اما عمده بحث در بخش دوم فرمایش سید است که فرموده «لکن یجب أن یکون عارفاً بکیفیه الإحتیاط أو التقلید» یعنی اینکه کسی که میخواهد احتیاط بکند باید موارد احتیاط و کیفیت احتیاط را بشناسد و معرفت کیفیت احتیاط از راه اجتهاد یا تقلید میباشد، یعنی در کیفیت احتیاط یا باید خودش صاحب نظر باشد که در اینجا چگونه احتیاط کند یا اینکه حداقل تقلید بکند و معرفت پیدا کند نسبت به کیفیت احتیاط. این مطلبی بود که مرحوم سید فرمودند. امام(ره) در مقدمه به دنبال «أو محتاطاً» که میگویند کسی که مجتهد نیست یا باید مقلد باشد یا محتاط این جمله را دارند «بشرط أن یعرف موارد الإحتیاط» به شرط اینکه موارد احتیاط را بشناسد «و لا یعرف ذلك الا القلیل» و این را جز عدهی اندکی نمیداند. پس ببینید عمده بحث این است که برای احتیاط یک شرطی ذکر کردند و آن شرط معرفت کیفیت احتیاط میباشد یعنی هر کسی نمیتواند همینطوری احتیاط کند بلکه باید برای احتیاط یا خودش طریق احتیاط را بشناسد احتمالاً یا حداقل برود و تقلید کند.

آیا غیر از این دو طریق راه، دیگری هم هست یا خیر؟

ببینید چرا میگویند کیفیت احتیاط باید معلوم شود؟ احتیاط عبارت است از اتیان به احتمالات یعنی کسی همه احتمالاتی که در یک موضوع وجود دارد را اتیان بکند تا یقین کند واقع را احراز کرده، اتیان به همه احتمالات فرع این است که آن احتمالات را بشناسد و بداند که چه احتمالاتی در مسئله وجود دارد. این احتمالات را چگونه بشناسد؟ میگویند فهمیدن احتمالات یا به اجتهاد است یا به تقلید مانند کسی که مردد بین قصر و اتمام است در اینجا احتیاط به این است که جمع بین قصر و اتمام بکند؛ هم نماز شکسته بخواند و هم نماز تمام. اما یک مواردی هست که انسان معمولی نمیتواند این موارد را بشناسد فرض کنید کسی در ظهر جمعه میداند وظیفه او نماز ظهر است لکن مردد است بین جهر و اخفات، در اینجا احتیاط در این موضوع چگونه تصویر میشود و احتمالاتی که میشود در نظر گرفت کدامند؟

وجوه مختلفی وجود دارد یک وجه این است که یکبار نماز بخواند و در آن حمد و سوره را جهرأ بخواند و نماز دومی هم بخواند که در آن حمد و سوره اخفاتاً خوانده شود. اما آیا احتمالات همین مقدار است و به همین وجوه است یا وجوه دیگری هم هست؟ مثلاً یک نماز سومی بخواند که در این نماز سوم یکبار حمد و سوره را جهرأ بخواند و یکبار اخفاتاً بخواند. پس شناخت احتمالات در این فرض به سادگی موضوع و مسئله اول نیست. در اینجا میگویند که برود یا اجتهاد بکن و این احتمالات را از لابلای ادله بدست بیاورد یا حداقل از عارف به احتیاط و آشنای به احتمالات سؤال کند و تقلید کند پس احتیاط اما يرجع الی الإحتیاط و اما يرجع الی التقلید».

آیا مسئله اینچنین است؟ یعنی برای احتیاط باید معرفت به مواضع احتیاط داشت یا نه؟

فرض مقابل این را تصویر بیان میکنیم تا شباهاتی که در این مقام رخ داده بر طرف شود. و آن این است که اساساً معرفت کیفیت احتیاط لازم نیست و چه کسی ادعا کرده است که ما باید به موارد احتیاط عارف باشیم و بعد احتیاط کنیم؟ اگر معرفت کیفیت احتیاط و طریق احتیاط لازم نباشد چه کاری میتوان کرد؟ یعنی در خود همین کیفیت احتیاط هم احتیاط بکنیم، لازم نیست موارد احتیاط را بشناسیم. بلکه همه احتمالات ممکن را اتیان بکنیم تا در این عمل احراز بکنیم که به واقع اصابت کرده است. پس یک طرف معرفت کیفیت احتیاط است و یک طرف عدم لزوم معرفت میباشد. اگر ما بگوییم معرفت کیفیت احتیاط لازم است و شناخت طرق احتیاط و احتمالات لازم است آن وقت راه آن یا اجتهاد است و یا تقلید. اما اگر بگوییم که اساساً شناخت کیفیت احتیاط لازم نیست، بلکه میتوان از راه احتیاط در طریق احتیاط به آن رسید و هر آنچه که احتمال دارد را انجام بدهیم یعنی احتیاط در طریق احتیاط در مقابل معرفت نسبت به طریق احتیاط.

موضوع بحث:

این است که آیا کیفیت احتیاط لازم است شناخته شود از راه اجتهاد یا تقلید یا اینکه در خود کیفیت احتیاط هم میشود احتیاط کرد؟ این را بیان کردیم که موضوع بحث در اینجا روشن شود و چنانچه برخی به اشتباه افتادهاند دچار اشتباه نشویم.

برخی گفته‌اند که در اینجا دو مسئله و مطلب وجود دارد: یک مطلب اصل معرفت موارد و کیفیت احتیاط است و مطلب دوم اینکه طرق شناخت کیفیت احتیاط چه طرقی می‌باشد؟

گفته‌اند: در مسئله اول ظاهراً بین فقها اختلافی نیست و همه موافقند نسبت به لزوم معرفت به کیفیت احتیاط ولی در مسئله دوم بحث و اختلاف است که آیا شناخت موارد احتیاط منحصرأ از راه اجتهاد یا تقلید تحقق پیدا میکند یا نه؟ طبق این تبیین در واقع اصل لزوم معرفت موارد احتیاط و معرفت کیفیت احتیاط قطعی می‌باشد منتهی بحث در طرق آن است.

در حالی که مسئله این نیست یعنی اگر ما راه احتیاط در کیفیت احتیاط را جایگزین اجتهاد و تقلید بکنیم دیگر به این معرفت به موارد احتیاط نمی‌گویند. اصلاً احتیاط در کیفیت احتیاط مقابل معرفت و شناخت می‌باشد. وقتی ما می‌گوییم که در کیفیت احتیاط ما احتیاط بکنیم یعنی شناخت به موارد احتیاط و معرفت به آن لازم نیست. و این اشتباه است بگوییم که در اصل آن اختلافی نیست اما در طریق آن اختلاف است و احتیاط را به عنوان یک راهی در مقابل اجتهاد و تقلید قرار دهیم برای شناخت کیفیت احتیاط، در حالی که احتیاط خودش یک راهی است در مقابل اصل معرفت.

اقوال در مسئله:

در اینجا سه قول در مسئله وجود دارد:

قول اول: باید طریق احتیاط و کیفیت احتیاط بوسیله اجتهاد و تقلید معلوم شود مطلقاً.

قول دوم: اجتهاد و تقلید مطلقاً برای شناخت موارد احتیاط لازم نیست. یعنی در خود کیفیت احتیاط و طریق احتیاط هم میتوان احتیاط کرد.

قول سوم: تفصیل در مسئله است، گفته‌اند در مسائل نظری، کیفیت احتیاط باید با اجتهاد و تقلید شناخته شود اما در مسائلی که محتاج نظر و استدلال نیستند، اجتهاد و تقلید لازم نیست و میتوان در مورد کیفیت احتیاط هم احتیاط کرد. ظاهر عبارات کسانی که عروة حاشیه زدند تبعاً للسید این است که باید معرفت به کیفیت احتیاط از راه اجتهاد و تقلید حاصل شود، عبارت مرحوم سید این است «لکن یجب أن یکون عارفاً بکیفیه الإحتیاط بالإجتهد أو التقلید» لازم است که موارد احتیاط را بشناسد از راه اجتهاد و تقلید.

امام(ره) اشاره‌ای به اجتهاد و تقلید نکرده‌اند؛ گفتیم تعبیر امام این است «أو محتاطاً بشرط أن یعرف موارد الإحتیاط و لا یعرف ذلک الا القلیل» به شرط اینکه موارد احتیاط را بشناسد، مگر اینکه بگوییم این عبارت «ولا یعرف ذلک»، مشعر به این معنی است که باید اجتهاداً یا تقلیداً بدست بیاید که بعید به نظر میرسد. اما بهر حال مرحوم سید و کثیری که از علما راه شناخت کیفیت احتیاط را اجتهاد یا تقلید میدانند.

توضیح قول سوم: تفصیلی که بعضی داده‌اند و در ذیل عبارت مرحوم سید «لکن یجب أن یکون عارفاً بکیفیه الإحتیاط بالإجتهد أو التقلید» حاشیه زده‌اند این است: «إن کانت کیفیه من المسائل النظرية» گفته‌اند که ما در صورتی لازم است به موارد احتیاط معرفت داشته باشیم که مسئله از مسائل نظری باشد. مفصل که مرحوم سید عبدالهادی شیرازی می‌باشد و

تعلیقاتی در اینجا دارند منظورشان این است که اگر کیفیت احتیاط از مسائل نظری بوده و محتاج بحث و استدلال باشد در اینجا باید از راه اجتهاد و تقلید آن را بشناسد. اما اگر این کیفیت احتیاط از مسائل نظری نبود بلکه هر شخصی میتواند آن را بفهمد اجتهاد و تقلید لازم نیست. مثلاً در احتیاط مربوط به اشتباه قبله در نماز صبح که یک نماز است روشن است و نیازی به اجتهاد و تقلید نیست. اما در مواردی مسئله پیچیدهتر و مشکلتر است و نظری است مانند نماز ظهر و عصر که کیفیت احتیاط آن باید معلوم گردد چون اینجا یک مسئلهای وجود دارد که در نماز صبح نیست و آن ترتیب بین نماز ظهر و عصر است که باید در این صور رعایت شود. این شخص میتواند اول نمازهای ظهر به چهار جهت و بعد نمازهای عصر را به چهار جهت بخواند. و در یک طرف نماز ظهر را و سپس نماز عصر و بعد در طرف دیگر هم به این شکل تا جهت چهارم در این فرض و حالت ممکن است مشکلی پیش بیاید و آن هم رعایت مسئله ترتیب بین نماز ظهر و عصر است چه در اینجا محتمل الظهر را بدنبال محتمل العصر آورده نه اینکه ظهر را به دنبال عصر آورده باشد حال تشخیص این مسئله که آیا به این طریق میشود احتیاط کرد باید از راه اجتهاد معلوم شود یا از راه تقلید.

بالاخره قول به تفصیل حرفشان این است که در اینجا ما کیفیت احتیاط را در بعضی از موارد باید از راه اجتهاد و تقلید بدست بیاوریم و آن مواردی است که از مسائل نظری باشد اما اگر اینچنین نبود نیازی به اجتهاد و تقلید نیست.

بحث جلسه آینده: این سه قول در مسئله وجود دارد که باید بررسی کنیم که قول حق کدام است إن شاء الله.

«والحمد لله رب العالمین»